

بررسی نقش استعاره مفهومی در تفهیم مفاهیم ناملموس

(مورد مطالعه: فارسی پایه پنجم ابتدایی)

قاسم مهرآور گیگلو*

منصور علیزاده بیگدیلو**

* استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: gh.mehravar@cfu.ac.ir

** دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. Email:

shang.m90@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

چکیده

استعاره مفهومی به عنوان نظریه‌ای کاربردی در امر تفهیم مفاهیم انتزاعی شناخته می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا از رهگذر این نظریه، میزان کاربرد استعاره مفهومی در کتاب «فارسی» پایه پنجم ابتدایی مورد بحث و مذاقه قرار گیرد و نقش آن در تفهیم مفاهیم ناملموس تبیین شود. به همین منظور داده‌های جمع‌آوری شده با روش تحلیل مقوله‌ای محتوا، ارزیابی شده است. مطابق با این شیوه، ابتدا داده‌های مستخرج از متن به اجزایی تقسیم شده است. سپس آن‌ها را در رده‌هایی دسته‌بندی کرده، در گام بعدی فراوانی هر یک از دسته‌ها را شمارش کرده و درصد آن‌ها را تعیین کرده‌ایم، در پایان آمارهای به دست آمده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. یافته‌ها نشان داد که مؤلفان در مجموع از ۱۱۸ استعاره مفهومی برای تفهیم مفاهیم انتزاعی در جهت ارتقای ادراک دانش‌آموزان بهره برده‌اند. از آن میان، تنوع حوزه‌های مقصد عینی شده به ۵۹ و تنوع حوزه‌های مبدأ استفاده شده، به ۵۸ مورد می‌رسد؛ بنابراین تنوع دو حوزه مبدأ و مقصد در فارسی پنجم از بسامد قابل قبولی برخوردار است. استفاده از ۱۱۸ استعاره، در کنار تنوع نزدیک به ۵۰ درصدی حوزه‌های مبدأ و مقصد به کار رفته در آن به درک بهتر مفاهیم در فارسی پنجم کمک کرده است؛ اما فراوانی استعاره‌ها در هر یک از درس‌ها یکسان نیست و مؤلفان در بهره‌گیری از این امکان آگاهانه عمل نکرده‌اند. با ایجاد توازن در بکارگیری استعاره در همه درس‌ها، می‌توان به شکلی نظام‌مند از این ابزار تفهیمی استفاده کرد.

واژگان کلیدی: استعاره مفهومی، مفاهیم انتزاعی، فارسی، پایه پنجم.

Examining the Role of Conceptual Metaphor in Comprehending Intangible Concepts (Case Study: Fifth-Grade Persian Textbook)

Ghasem Mehravar Giglou*

Mansour Alizadeh Bigdelou**

* Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: gh.mehravar@cfu.ac.ir

** Ph.D. in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohagheh Ardabili, Ardabil, Iran Email: shang.m90@gmail.com

Abstract

Conceptual metaphor is recognized as a practical theory for comprehending abstract concepts. This study aims to investigate, through this perspective, the extent to which conceptual metaphors are utilized in the fifth-grade Persian textbook and to explain their role in understanding intangible concepts. For this purpose, the collected data were evaluated using categorical content analysis. According to this method, the data extracted from the text were first divided into components, then categorized, and subsequently, the frequency and percentage of each category were calculated. Finally, the obtained statistics were analyzed. The findings revealed that the authors employed a total of 118 conceptual metaphors to facilitate the comprehension of abstract concepts and enhance students' perception. Among these, the diversity of the target domains objectified reached 59, while the diversity of the source domains used amounted to 58. Thus, the diversity of both source and target domains in the fifth-grade Persian textbook is at an acceptable frequency. The use of 118 metaphors, along with the nearly 50% diversity in the source and target domains, has contributed to a better understanding of the concepts in the fifth-grade Persian textbook. However, the frequency of metaphors is not consistent across all lessons, and the authors have not utilized this potential consciously. By balancing the use of metaphors in all lessons, this comprehension tool can be employed systematically.

Keywords: Conceptual Metaphor, Abstract Concepts, Persian, Fifth Grade.

استعاره یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین ابزارهای زبان‌شناسی و ادبیات است که از دیرباز در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف به کار رفته است. در سنت‌های فلسفی و ادبی غرب، بحث استعاره به آثار فیلسوفان یونانی مانند ارسطو بازمی‌گردد. وی استعاره را شگردی برای هنرآفرینی می‌دانست و معتقد بود که استعاره ویژه‌ی زبان ادب است و به همین دلیل نیز باید در میان فنون و صناعات ادبی مورد بررسی قرار گیرد (صفوی، ۱۳۹۷). در قرون وسطی و رنسانس، استعاره بیشتر به عنوان یک ابزار ادبی و بلاغی شناخته می‌شد. با پیشرفت زبان‌شناسی‌شناختی در قرن نوزدهم، نگرش به استعاره تحول یافت و به جای آنکه تنها به عنوان یک آرایه‌ی زبانی دیده شود، به عنوان ساختاری بنیادی در اندیشه و شناخت انسان مورد بررسی قرار گرفت (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). نگرش دوم در مطالعه‌ی استعاره به قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی برمی‌گردد که بر حسب بینش حاکم بر آن عصر، نگرش رمانتیک نامیده می‌شود. در این نگرش استعاره محدود به زبان ادب نمی‌شد و لازمه‌ی زبان و اندیشه برای بیان جهان خارج به حساب می‌آمد. در نگرش رمانتیک، استعاره شاهدی برای نقش تخیل در مفهوم‌سازی و استدلال به حساب می‌آمد و در نتیجه، تمایزی میان زبان خودکار و زبان ادب مطرح نبود. معنی‌شناسان شناختی در مطالعات خود نقش عمده‌ای برای استعاره قایل شده‌اند و آن را ابزار مناسبی برای تشخیص چگونگی اندیشیدن و رفتارهای زبان می‌دانند. به این ترتیب می‌توان مدعی شد که میان دو نگرش کلاسیک و رمانتیک به استعاره، معنی‌شناسان شناختی پیرو نگرش رمانتیک بوده و به نوعی به بسط این نگرش دست یازیده‌اند (صفوی، ۱۳۹۷).

بنابراین در خصوص استعاره با دو رویکرد مواجه هستیم. رویکرد نخست نگاهی زیباشناختی به آن دارد و ضمن آن که استعاره را مؤثرترین ابزار تخیل برمی‌شمارد، آن را تشبیهی می‌داند که یکی از طرفین آن حذف شده باشد، در این رویکرد، استعاره را مجاز به علاقه‌ی مشابهت نیز معرفی می‌کنند (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۶). این رویکرد استعاره را عمدتاً در سطح واژه و با هدف ایجاد آراستگی و زینت کلام در نظر می‌گیرد. اما رویکرد دوم، که مورد توجه پژوهشگران مختلف علوم انسانی نیز قرار گرفته، نظریه‌ی استعاره‌ی شناختی است که نخستین بار، در سال ۱۹۸۰ و با انتشار کتابی با عنوان «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» از سوی لیکاف و جانسون مطرح شد. این نظریه در بحث از استعاره، وجود رابطه‌ی مفهومی بین دو حوزه‌ی مبدأ و مقصد را مورد توجه قرار داد؛ بنابراین در دیدگاه شناختی فارغ از دسته‌بندی‌های متعدد، هر رابطه‌ای را که در بردارنده‌ی این دو حوزه باشد و هدف از آن شناساندن حوزه‌ی مقصد با استفاده از حوزه‌ی مبدأ باشد، استعاره می‌نامند. از همین روی است که از تشبیه، تمثیل، استعاره، مجاز، نماد و ... در این دیدگاه تحت عنوان استعاره یاد می‌شود؛ زیرا در هریک از موارد یاد شده با «نوعی فعالیت برای یافتن ویژگی‌های مشترک دو حوزه» (بنی عصار، ۱۳۹۶). روبرو هستیم.

استعاره در دیدگاه بلاغی، نوعی از آرایه‌های معنوی است که با هدف آراستن کلام از آن استفاده می‌شود. ارسطو در «فن شعر»، استعاره را استعمال یا نقل اسم چیزی برای چیز دیگر می‌داند (هاوکس^۲، ۲۰۰۷/۱۳۸۶ و زرین‌کوب، ۱۳۹۲). همین تعریف است که پایه‌های تعاریف بعدی استعاره در نزد علمای بلاغت را شکل می‌دهد و در سایر تعاریف همین نکته است که با بیان‌های دیگری تکرار می‌شود. این تعریف تنها شامل جابجایی در سطح واژه و لغت می‌شود و مفاهیم را دربر نمی‌گیرد و استعاره را بیشتر از آن که امری ذهنی تلقی کند آن را امری لفظی و زبانی می‌داند (صدری، ۱۳۸۵). همانندی دو پدیده با هدف آفرینش هنری و سویی‌ی زیبایی‌شناسانه آن از دیگر پایه‌های تعریف استعاره در دیدگاه بلاغیون محسوب می‌شود و عمده

تعاریف ارائه شده به ریشه تشبیهی و مجازی آن اشاره دارند، به گونه‌ای که جرجانی در اسرارالبلاغه مجاز را اعم از استعاره و تشبیه را اساس استعاره می‌داند: «ان المجاز اعم من الاستعاره [...] و التشبیه كالاصل فی الاستعاره» (جرجانی، ۱۴۱۲ ه.ق).

در چند دهه اخیر استعاره از دیدگاه معنی‌شناسان و با رویکردی شناختی مورد توجه قرار گرفته است. معنی‌شناسی شناختی، در کنار رویکردهای شناختی به مطالعه دستور، دو حوزه وسیعی هستند که دو بخش عمده زبان‌شناسی شناختی را شکل داده‌اند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۴). همچنان‌که در زبان‌شناسی شناختی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و تجارب اجتماعی و فیزیکی او را بررسی می‌کنند و «زبان» را با رویکردی که مبنایش تجربیات انسان از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی است مطالعه می‌کنند (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱)، در معنی‌شناسی شناختی نیز با همین رویکرد «معنا» را بررسی و مطالعه می‌کنند. «در این نگرش که تحلیل‌های معنایی آن همواره مستند به یافته‌های علمی مانند روان‌شناسی و عصب‌شناسی است، چند مفهوم بنیادی قابلیت تعریف و استفاده دارند. از جمله این مفاهیم در ساز و کار نظریه شناختی می‌توان به مقولات پیش‌نمونه‌ای، چند معنایی، استعاره و ساختار شعاعی اشاره کرد» (زاهدی، ۱۳۹۰). در این میان نظریه استعاره مفهومی به شکلی نظام‌مند به وسیله جورج لیکاف و مارک جانسون در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» مطرح شد. لیکاف و جانسون توانستند با بررسی نمونه‌های مختلف در برخی از زبان‌ها نظریه خود را به اثبات رسانند. آن‌ها معتقدند که «استعاره به صورت گسترده در زندگی روزمره حضور دارد، نه فقط در زبان، بلکه در اندیشه و عمل. سیستم مفهومی معمول ما، که بر اساس آن هم می‌اندیشیم و هم عمل می‌کنیم، در ذات خود اساساً استعاری است.» (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳) بر طبق این نظریه تجربه‌های حسی-حرکتی ما در شناخت مفاهیم جدید دخیل هستند، زیرا «نظام مفهومی (شامل استعاره‌های مفهومی) برگرفته از جسم و مغز است. [...] و افکار انتزاعی برگرفته از همبستگی‌های تجارب جسمانی هستند که منجر به روابط عصبی خوش ساخت در مغز می‌شود» (کوچس، ۲۰۱۵ / ۱۳۹۴). و به شناخت مفاهیم انتزاعی در ذهن ما کمک می‌کنند. لیکاف و جانسون معتقدند که «روش فکر کردن ما، تجربیات روزمره ما و کارهایی که هر روز انجام می‌دهیم، تا حد زیادی تحت تاثیر استعاره» (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). قرار دارند. لذا در نگاه شناختی به استعاره با نگاه زیبایی‌شناسانه به آن تفاوت آشکاری وجود دارد؛ زیرا در رویکرد شناختی، استعاره نه امری زبانی و ابزاری برای آرایش کلام، که امری مفهومی است که الگویی بنیادین برای چگونگی کارکرد ذهن انسان به شمار می‌رود (استاک ول، ۲۰۱۴ / ۱۳۹۳). بدین‌سان که ذهن در شناخت پدیده‌ها از مفاهیم شناخته شده و ملموس برای درک مفاهیم ناشناخته یا کم‌تر شناخته شده بهره می‌برد. در اصل ما به کمک استعاره‌هاست که جهان را درک می‌کنیم (کوچس، ۲۰۱۵ / ۱۳۹۴) و قوه ادراک خود از پدیده‌های پیرامونمان را افزایش می‌دهیم. با توجه به این‌که در رویکرد شناختی، استعاره به تفهیم مفاهیم انتزاعی برای مخاطب با استفاده از مفاهیم عینی و قابل درک اطلاق می‌شود، بر خلاف اصطلاح بلاغی استعاره شامل تشبیه، تمثیل و نماد نیز می‌شود.

منظور از مفاهیم کم‌تر شناخته شده مفاهیمی هستند که مخاطب نسبت به آن شناختی جزئی دارد و یا جنبه‌هایی از آن مفهوم برای او ناملموس است. مانند بهره‌گیری از صفات و ویژگی‌های انسانی برای درک بهتر برخی از مفاهیم که در نگاه اول برایمان ملموس و قابل درک هستند؛ اما پس از آنکه در قالب استعاری بیان می‌شود جنبه‌ای از آن مفهوم را درک می‌کنیم که پیش‌تر بدان آگاهی نداشته‌ایم. برای مثال:

«دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیرو» (سعدی، ۱۳۸۴)

در نمونه بیان شده از سعدی حوزه مقصد «ابر» به یاری حوزه مبدأ «دایه» تفهیم شده است. نکته قابل توجه آن است که «ابر» برای ما مفهومی ملموس به شمار می‌رود؛ اما درک رابطه «ابر» با «سبزه و گل» و نقش ابر در رشد و پرورش آن‌ها موضوعی است که به یاری استعاره به کار رفته در آن ملموس تر و عینی تر فہیدہ می‌شود.

به این نوع از استعاره‌ها که جنبه‌های کم‌تر شناخته شده‌ای از یک مفهوم را عینی می‌کند تشخیص یا شخص‌انگاری گفته می‌شود. لیکاف و جانسون به جهت اهمیت ویژه‌ای که شخص‌انگاری دارد، آن را بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین نوع استعاره‌های هستی‌شناختی دانسته‌اند؛ زیرا شخص‌انگاری، ما را مجاز می‌کند تا گستره وسیعی از تجربه‌های مربوط به پدیده‌های غیرانسانی را در قالب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی دریافت کنیم و بفهمیم (لیکاف و جانسون، ۲۰۱۵/۱۳۹۴).

با توجه به تعاریف ارائه شده از استعاره در دیدگاه معاصر، تفهیم بهتر و آسان‌تر مفاهیم ناملموس به کمک استعاره، مهم‌ترین ویژگی این نظریه محسوب می‌شود. توجه به این نکته و تمرکز بر استفاده از آن در امر آموزش برای کودکان می‌تواند به تسهیل در امر انتقال مفاهیم مورد نظر مؤلفان در کتاب‌های درسی کمک کند؛ نکته‌ای که در آراء ویتگنشتاین هم دیده می‌شود و در نظر او بیان استعاری به عنوان حلقه واسط مهم در یادگیری و آموزش محسوب می‌شود (پندآموز، ۱۴۰۲). نکته دیگری که اهمیت استعاره در امر آموزش را نشان می‌دهد، رابطه معناداری است که بین آموزش استعاری، یادگیری و میزان ماندگاری مطالب در ذهن یادگیرنده وجود دارد (رقیب‌دوست، ۱۳۹۴). نکته دیگری که استعاره را در امر آموزش به ابزاری کارآمد تبدیل می‌کند مقوله‌بندی مفاهیم در ذهن انسان است. زیرا زبان و شکل استعاری آن اصلی‌ترین وسیله مقوله‌بندی جهان در ذهن انسان به شمار می‌روند (پندآموز، ۱۴۰۲).

مقوله‌بندی همان طبقه‌بندی پدیده‌های جهان بر اساس ویژگی‌های مشترک آن‌هاست که به وسیله انسان و ذهن او انجام می‌گیرد، بدین معنی که جهان از قبل مقوله‌بندی نشده است (داوری اردکانی، ۱۳۹۳). بخش عمده این کار به شکل خودکار و ناآگاهانه انجام می‌پذیرد و «ضمن حرکت در اطراف جهان، ما به صورت خودکار انسان‌ها، جانوران و اجسام فیزیکی، هم طبیعی و هم ساخته انسان، را مفهوم‌سازی می‌کنیم» (لیکاف، ۲۰۱۶/۱۳۹۵). بر همین مبناست که ذهن توان شناخت پدیده‌ها را به دست می‌آورد. «مقوله‌بندی نتیجه چگونگی جسمانی بودن ماست. ما تکامل یافته‌ایم که مقوله بندی کنیم؛ در غیر این صورت امکان بقا برای ما وجود نداشت» (لیکاف و جانسون، ۲۰۱۶/۱۳۹۵). با توجه موارد یاد شده و نقش مقوله‌ها در درک بهتر پدیده‌های انتزاعی، بهره‌مندی از عنصر استعاره در تألیف کتاب‌های درسی، به ویژه آن‌جا که مفاهیم تربیتی نیز در ضمن آن گنجانده شده باشد، می‌تواند مسیر یادگیری را آسان‌تر و سریع‌تر گرداند.

پژوهش پیش‌رو، با هدف بررسی میزان بهره‌مندی از استعاره‌ها برای تفهیم مفاهیم انتزاعی مورد نظر مؤلفان کتاب فارسی پنجم دبستان انجام می‌پذیرد. با توجه به این‌که مؤلفان کتاب فارسی پایه پنجم، در کنار اهداف صرفاً ادبی به نیازهای فرهنگی-تربیتی، نیازهای روحی و ارتقای قدرت ادراکی و تشخیصی دانش‌آموزان نیز توجه داشته‌اند (اکبری شلدرد و همکاران، ۱۴۰۳). بنابراین میزان بهره‌مندی از عنصر استعاره در جهت انتقال مفاهیم انتزاعی در رسیدن به اهداف یاد شده از اهمیت زیادی برخوردار است و استعاره به عنوان ابزاری تفهیمی، می‌تواند در رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی، موثرتر عمل کند.

حوزه مبدأ^۵ و حوزه مقصد^۶

«حوزه مبدأ» و «حوزه مقصد» دو اصطلاح پرکاربرد در نظریه استعاره مفهومی هستند. مراد از «حوزه مبدأ» بخشی از استعاره است که برای ما ملموس، عینی و آشنا تر باشد و منظور از «حوزه مقصد» مفهوم ناملموس و ناشناخته یا کم تر شناخته شده است که در صددیم آن را به کمک حوزه مبدأ بهتر بشناسیم و درک کنیم. برای مثال:

«غرق شادی هستم»

در این استعاره، «شادی» و شدت حسی که گوینده آن را تجربه کرده، برای مخاطب مفهومی ناملموس و انتزاعی است، اما به کمک حوزه مبدأ دریا شدت و میزان وجود آن حس در گوینده را به خوبی محسوس و قابل درک می کند. در این نمونه، «دریا» حوزه مبدأ و «شادی» حوزه مقصد محسوب می شود.

نگاشت^۷

رابطه ای که بین حوزه های مبدأ و مقصد وجود دارد و ذهن ما به کمک بافت معنایی جمله آن را درک می کند «نگاشت» می نامند. نگاشت ها به دو نوع عمومی و جزئی تقسیم می شوند. اگر مثال فوق را برای حوزه های مبدأ و مقصد در نظر بگیریم؛ نگاشت عمومی و جزئی استعاره عبارت به شکل زیر خواهد بود:

- نگاشت عمومی: شادی مایع است. نگاشت جزئی: شادی دریا است.

الگوی استنباطی^۸ و تعمیم چند معنا^۹

«استعاره ها از طریق الگوبرداری نظام مند الگوهای استدلال و استنباط، ویژگی های قلمرو مبدأ را بر قلمرو مقصد منطبق کرده و الگوهای استنباط قلمروهای عینی تجربه را به قلمروهای انتزاعی تعمیم می دهند» (هاشمی و قوام، ۱۳۹۱). لیکاف فرایندی را که استعاره با امکان انطباق الگوی استنباطی حوزه مبدأ و عینی بر حوزه مقصد و انتزاعی به ابزاری شناختی تبدیل می شود «الگوی استنباطی» می نامد و تعمیم ها، فرافکنی ها و گسترش های چند معنایی نظام مند میان هر یک از حوزه های معنایی مبدأ و مقصد را نیز از جهت مفاهیمی که از حوزه عینی به حوزه ذهنی منتقل می شود، تعمیم چندمعنا می نامد (همان). تعمیم چند معنا معادل «وجه شبه» در بلاغت سنتی است. با توجه به مثال یاد شده برای حوزه مبدأ و مقصد، در استعاره «غرق شادی هستم»، الگوی استنباطی «مایع» است. همچنین در نمونه یاد شده، تعمیم چند معنا، «غرق کردن و دربرگرفتن» است.

پیشینه پژوهش

در سال های اخیر، از جمله مهم ترین نظریه هایی که در بررسی متون ادبی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، نظریه استعاره مفهومی است؛ اما، بهره گیری از آموزه های این نظریه در امر یادگیری و یاددهی موضوعی است که در میان تحقیقات انجام

-
5. Source Domain
 6. Target Domain
 7. Mapping
 8. Inferential Pattern
 9. Poysemy Extension

گرفته مغفول مانده است. بنابراین تعداد کمی از پژوهش‌های انجام گرفته بر پایه این رویکرد وجود دارد که کارکرد آموزشی آن را مورد توجه قرار داده باشند؛ از جمله آن پژوهش‌ها می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد:

- «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبانشناسی شناختی» از شریفی و حامدی شیروان (۱۳۹۵)؛ نویسندگان استعاره‌های به کار رفته در ده داستان حوزه کودک و نوجوان را بررسی کرده‌اند تا نقش تفهیمی آن استعاره‌ها در درک مفاهیم انتزاعی را ارزیابی کنند.

- «واکاوی نقش استعاره در تفهیم مفاهیم غیر عینی» از عزیززاده بیگدیلو و همکاران (۱۴۰۳)، که در آن پژوهشگران استعاره‌های موجود در هدیه‌های آسمانی پایه‌های دوم و سوم دبستان را از حیث کارکرد آموزشی آن در درک بهتر مفاهیم انتزاعی کتاب، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

- «تحلیل محتوای شناختی استعاره کارکردی در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی» از زندی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهش دیگری است که با هدف بررسی استعاره‌های کارکردی کتاب‌های فارسی دوم تا سوم انجام پذیرفته است.

- «تبیین استعاره‌های مفهومی جهت‌دار زمان در مکان کتاب فارسی پایه چهارم ابتدایی بر مبنای رویکرد لیکاف و جانسون» از صائمین و همکاران (۱۴۰۱)؛ این پژوهش میزان بهره‌مندی از استعاره‌های زمان در مکان فارسی پایه چهارم را ارزیابی کرده و استفاده بیشتر از استعاره‌های مفهومی در همه بخش‌های کتاب را پیشنهاد داده است.

بخش دیگری از آثار، مقالاتی هستند که به تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه پنجم پرداخته‌اند؛ اما در آن از نظریه استعاره مفهومی بهره نبرده‌اند؛ همچون نمونه‌هایی که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

- «نقد و تحلیل تصاویر کتاب فارسی پنجم دبستان و بررسی ارتباط آنها با متن درس» از ایرانی و فتاحی (۱۴۰۲) وضعیت کیفیت و ارتباط تصاویر کتاب فارسی پایه پنجم با متن دروس کتاب را بررسی کرده‌اند.

- «تحلیل محتوای ارتباطی اهداف کتاب فارسی خوانداری پایه پنجم ابتدایی براساس متن نوشتاری» از حمزه‌لو و همکاران (۱۴۰۰)، که ارتباط اهداف جزئی تدوین شده در کتاب راهنمای معلم با متن نوشتاری کتاب فارسی پایه پنجم ابتدایی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

- «بازتاب هویت ملی در کتاب فارسی پنجم دبستان از دوره قاجار تا پایان قرن چهاردهم شمسی» از بابایی و کاسی (۱۴۰۱)، این پژوهش، هویت ملی در کتاب فارسی پنجم ابتدایی را در سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی بررسی کرده است.

- «تحلیل محتوای کتاب فارسی پنجم دبستان بر اساس حوزه‌های موضوعی رویکرد فطرت‌گرای توحیدی برنامه درسی و انتظارات یادگیری راهنما معلم» از کریم‌نژاد و کریم‌نژاد (۱۴۰۰)؛ کتاب را از منظر فلسفی مورد توجه قرار داده است.

همه مقالات یاد شده، در نوع خود حائز اهمیت هستند؛ اما چهار مقاله نخست به جهت توجه به نقش تسهیل‌گری استعاره در امر آموزش، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. انجام تحقیقات بیشتر با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی، لزوم بهره‌گیری از این امکان در تألیف کتاب‌های درسی و آموزشی را بیش از پیش نمایان خواهد کرد.

پرسش‌های پژوهش

تفاوت در توان ذهنی افراد، ضعف در یادگیری مباحث انتزاعی، فقدان آموزش‌های اصولی در برخی از مدارس کشور و بسیاری از موانع مشابه دیگر که در فهم مباحث انتزاعی نقش منفی ایفا می‌کنند، لزوم استفاده از روش‌های نوین در تألیف کتاب‌های درسی را بیش از پیش نشان می‌دهند. در پژوهش پیش‌رو که میزان بهره‌مندی از استعاره مفهومی در «فارسی» پایه پنجم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، تلاش می‌شود تا تحلیلی علمی از شمار و تنوع استعاره‌های مورد استفاده در کتاب مذکور ارائه شود.

اهمیت این موضوع بدان جهت است که تبیین کارکرد استعاره، می‌تواند بر نحوه تألیف کتاب‌های آموزشی مرتبط با نیازهای فرهنگی-تربیتی، نیازهای روحی و ارتقای قدرت ادراکی و تشخیصی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد؛ مباحثی که عموماً انتزاعی و برای دانش‌آموزان ناملموس هستند. با توجه به نقش نظریه استعاره مفهومی در دستیابی به چنین هدفی و اذعان به این نکته که «پاسخ‌ها به عمیق‌ترین پرسش‌ها درباره هستی انسان به احتمال بسیار زیاد پاسخ‌های استعاره‌ای هستند» (نیلی‌پور، ۱۳۹۴)، بهره‌گیری از این امکان برای درک هرچه بهتر مفاهیم ناشناخته یا کم‌تر شناخته می‌تواند کارساز باشد. در همین راستا در تلاش هستیم تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱. در کتاب «فارسی» پایه پنجم به چه میزان از استعاره مفهومی برای تفهیم مفاهیم غیرعینی استفاده شده است؟

۲. تنوع قلمروهای مبدأ به کار گرفته شده برای ملموس کردن قلمروهای مقصد چگونه است؟

۳. خرده استعاره‌های به کار رفته در فارسی پنجم ابتدایی را در ذیل چند کلان استعاره می‌توان بررسی کرد؟

روش پژوهش

در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای انجام پذیرفته و از روش «تحلیل مقوله‌ای محتوا» برای نوشتن آن استفاده شده است؛ شیوه‌ای که از زیرمجموعه‌های روش «تحلیل محتوا» محسوب می‌شود. مطابق با این شیوه، ابتدا داده‌های مستخرج از متن را به اجزایی تجزیه کرده و سپس آن‌ها را در رده‌هایی دسته‌بندی می‌کنیم، در گام بعدی فراوانی هر یک از دسته‌ها را شمارش کرده و درصد آن‌ها را تعیین می‌کنیم، در پایان آمارهای به دست آمده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم (فتوحی، ۱۳۹۳). «تحلیل محتوا زمانی صورت می‌گیرد که تمامی آن‌چه در متن وجود دارد و مربوط به موضوع مورد بررسی است، مورد توجه قرار گیرد و محقق نباید به طرز خودخواهانه و گزینشی با متن برخورد کند و این ویژگی یعنی داشتن مقولات و واحدهای جامع» (نظری و مختاری، ۱۳۸۸).

با توجه به اصول روش مذکور، نویسندگان تلاش کرده‌اند تا ضمن بررسی کتاب «فارسی» پایه پنجم، مفاهیم ناملموس موجود در آن را از جهت میزان استفاده از استعاره‌ها در عینی کردن مفاهیم انتزاعی، ارزیابی کنند. بنابراین مفاهیم موجود در هفده درس کتاب، ابتدا مقوله‌بندی شده و سپس شیوه عینی کردن مباحث انتزاعی طرح شده در آن شناسایی شده و در داخل جدول ثبت شده‌اند؛ در پایان داده‌های ثبت شده مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و پیشنهادهای ارائه شده است. استعاره‌های استخراج شده از کتاب که در قالب جدول شماره ۱ ذکر شده‌اند، این جدول، به تفکیک هر درس، قلمرو مقصد، قلمرو مبدأ، تعمیم چند معنا و نگاشت جزئی هر یک از استعاره‌های موجود در «فارسی» پایه پنجم ابتدایی را دربرمی‌گیرد. همچنین جدول شماره ۲، فراوانی استعاره‌ها به تفکیک هر درس را نشان می‌دهد. در جدول شماره ۳ نیز کلان استعاره‌ها و خرد استعاره‌های کتاب فارسی پنجم ابتدایی بیان شده‌اند.

یافته‌ها

کتاب فارسی پنجم ابتدایی که با هدف ارتقای قوه ادراکی و شناختی دانش‌آموزان در کنار آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن تالیف شده است، به شکل قابل توجهی از استعاره برای تفهیم مفاهیم ناملموس استفاده کرده است. مباحث انتزاعی موجود در این کتاب عمدتاً شامل اخلاقیات یا باورهای دینی است که به شکل غیرمستقیم آموزش داده می‌شود. لذا بیش از

سایر کتاب‌ها در تألیف آن نیازمند بهره‌گیری از روش‌های مؤثر و نوین هستیم. در این بخش استعاره‌های موجود در کتاب «فارسی» پایه پنجم ابتدایی را، طی جدول شماره ۱، ۲، ۳ و ۴ ذکر کرده و به بررسی و تحلیل آن می‌پردازیم.

جدول شماره ۱. نمونه قلمروهای مبدأ و مقصد، تعمیم‌های چندمعنا و نگاشت جزئی «فارسی» پایه پنجم ابتدایی

صفحه	نگاشت جزئی	تعمیم چند معنا	قلمرو مبدأ	قلمرو مقصد	ترکیب استعاری	نام درس
۸	خداوند یار و یاور غمخوارگان است.	یار و یاور بودن خدا همراهی و همدردی با غمخوارگان	مونس و همدم	خداوند	ای مونس غمخوارگان	درس اول: تماشاخانه
۸	خداوند چاره بیچارگان است.	یاری‌گر و حلال مشکل بودن	راه‌حل و چاره بیچارگان	خداوند	ای چاره بیچارگان	
۱۰	زیبایی‌های آفرینش ایستگاه است.	محل توقف و تأمل بودن	ایستگاه	زیبایی‌های آفرینش	زیبایی‌های آفرینش ایستگاهی برای اندیشیدن است.	
۱۱	طبیعت کتاب است.	ایجاد تأمل و آگاهی کردن	کتاب	طبیعت	مطالعه در طبیعت [...] راه شناخت آنهاست.	
۱۲	عالم، تماشاخانه است.	زیبایی آفرینش	تماشاخانه	عالم	عالم تماشاخانه آفرینش است.	
۱۳	باد انسان است.	حرکت داشتن	انسان	باد	بادها سفر می‌کنند.	
۱۵	تماشاخانه بودن عالم، تصویر صفحه ۱۵ است.	زیبا بودن	تصویر صفحه ۱۵	تماشاخانه بودن عالم	تصویر صفحه ۱۵	
۱۶	باد انسان است.	رقصیدن، حرکت و اراده داشتن	انسان	باد	رقص باد	
۱۶	باغ و بستان انسان است.	خوابیدن	انسان یا جاندار	باغ و بستان	باغ و بستان ناگهان در خواب شد	
۱۶	درخت، چتر است.	سایه داشتن، مانع بودن در برابر نور آفتاب و باران	چتر	درخت	زرد شد آن چتر شاداب قشنگ	
۱۶	چتر انسان است	شاداب بودن	انسان	چتر	چتر شاداب	
۱۷	گل، انسان است.	خندیدن	انسان	گل	گل بخندد	
۱۷	آب انسان است.	به راه افتادن	انسان	آب	آب می‌افتد به راه	
۱۷	پرستو نغمه‌خوان است.	داشتن توانایی خواندن و صحبت کردن	نغمه‌خوان	پرستو	باز می‌آید پرستو نغمه‌خوان	

۱۷	پاییز و زمستان انسان هستند.	رفتن و حرکت داشتن	انسان	پاییز و زمستان	فصل پاییز و زمستان می‌رود
۱۸	بلبل انسان است.	تسبیح گفتن	انسان	بلبل	هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
۱۸	خاک انسان یا جاندار است.	مردن	انسان یا جاندار	خاک	اجزای خاک مرده ...
۱۸	زمزمه بلبل، تسبیح است.	خدا را یاد کردن	تسبیح	آواز بلبل	تسبیح گوی او نه بنی آدمند و بس // هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
۱۸	نوبهار لباس است.	پوشش بودن، زیبا بودن	پیراهن	نوبهار	شاخ برهنه، پیرهن نوبهار کرد
۲۱	پروانه انسان است.	خودبینی و تکبر داشتن	انسان	پروانه	پروانه‌ها [...] دربارهٔ او حرف می‌زدند.
۲۱	انسان مغرور پروانه است.	خودبینی و تکبر داشتن	پروانه	انسان مغرور	پروانه در داستان راز گل سرخ نماد انسان مغرور است.
۲۱	انسان گلبرگ، برگ، ساقه و ریشه هستند. (۴ استعاره)	نطق و شعور داشتن	گلبرگ، برگ، ساقه، ریشه	انسان	اجزای گل مثل گلبرگ و ... در داستان راز گل سرخ، نماد انسان‌های موجود در جامعه هستند که یاریگر ما در گذران زندگی هستند.
۲۱	انسان برکه است.	کمک گرفتن، حرکت ارادی داشتن	برکه	انسان	برکه با کمک نسیم شروع به تکان خوردن کرد.
۲۲	انزوای اجتماعی، دور شدن پروانه‌ها در داستان است.	گوشه‌گیری و تنهایی	دور شدن پروانه‌ها	انزوای اجتماعی	دور شدن پروانه‌های دیگر از پروانه مغرور داستان، نشانگر انزوای اجتماعی انسان‌های مغرور است.
۲۲	خورشید انسان است.	حرکت ارادی داشتن، از کوه بالا آمدن	انسان	خورشید	هر روز که خورشید از پشت کوه بالا می‌آمد.
۲۲	انسان متحول، پروانه در داستان است.	بیداری و آگاهی یافتن	پروانه در داستان	انسان متحول	پروانه به فکر فرو رفت. حالا متوجه شده بود که همه زیبایی‌اش را خدا به او بخشیده است.
۲۴	حکمت خداوندی، حکایت	فلسفه آفرینش متفاوت هر	حکایت درخت	حکمت	داستان درخت گردکان استعاره‌ای است از حکمت

	خداوند در آفرینش	خداوندی	گردکان	مخلوق را در بر داشتن	درخت گردکان است.
۲۴	اگر خربزه در داستان درخت بود و میوه بزرگش با آن تناسب نداشت نمادی از بی حکمتی بود.	بی حکمتی	عدم تناسب در خربزه و بوته اش	متناسب نبودن آفریده ها	بی حکمتی، عدم تناسب خربزه و بوته اش در داستان درخت گردکان است.
۲۴	در این فکر بود که ناگهان گردویی از شاخه جدا شد و بر پیشانی اش خورد.	تلنگر، آگاهی	ضربه گردو	بیدارکننده بودن	ضربه گردو به سر مرد در داستان، تلنگر و آگاهی است.
۳۲	کزین برتر اندیشه بر نگذرد	اندیشه	انسان	حرکت داشتن	اندیشه، انسان است.
۳۲	خرد رهنمای و خرد رهگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای	خرد	انسان	راهنما و یاری رسان بودن	خرد، انسان است. (۳ بار)
۳۲	به دانش گرای و بدو شو بلند	دانش	ابزار / وسیله رشد	رشد دادن، آسان کردن کار	دانش، ابزار است.
۳۲	به دانش گرای [...] چو خواهی که از بد نیایی گزند	دانش	سپر	حفاظ و یاریگر بودن	دانش، سپر است.
۳۲	چو خواهی که از بد نیایی گزند	بدی	انسان یا حیوان	آسیب زدن	بدی، انسان یا حیوان است.
۳۲	ز نادان بنالد دل سنگ و کوه	سنگ و کوه	انسان	دل داشتن / گریه کردن	سنگ و کوه انسان هستند.
۳۵	هرکس در این کاهلی ورزد به مقصد نرسد.	مقصد و هدف	سفر	مقصد داشتن	مقصد و هدف، سفر است.
۳۵	هرکس در اندوختن مال دنیا فقط برای خود تلاش کند در ردیف چارپایان است.	انسان منفعت طلب ب	حیوان (چارپا)	درک و فهم نداشتن، تنها به منافع خود اندیشیدن	انسان منفعت طلب، چارپاست.
۳۵	(منفعت طلب) چون سگ گرسنه که به استخوانی شاد شود.	انسان منفعت طلب ب	سگ	شاد شدن به کمترین چیزی / حریص بودن	انسان منفعت طلب، سگ گرسنه است.
۳۵	انسان ثروتمند و باهنر، به هنر خود شناخته شود همچون آتش	ثروتمند و هنرمند	آتش	از دور قابل رویت بودن	ثروتمند هنرمند آتش هستند.

درس سوم: رازی و ساخت بیمارستان

درس چهارم: بازرگان و پسران

					که به فروغ خود شناخته شود	
۳۵	هنر و دانش، فروغ آتش است.	غیرقابل خاموش شدن، درخشان بودن	فروغ آتش	هنر و دانش	انسان ثروتمند و باهنر، به هنر خود شناخته شود همچون آتش که به فروغ خود شناخته شود	
۳۵	انسان بی‌هنر، موش است.	موذی بودن	موش	افراد بی‌هنر/بی‌فضیلت	اگر بی‌هنر و فضیلت باشید، از شما دوری جویند؛ چنان‌که موش [...] را از خانه بیرون رانند.	
۳۹	انسان درخت است.	بزرگ و باتجربه بودن	چنار	انسان بزرگ	چنار در داستان چنار و کدوبن، نماد انسان بزرگ است.	درس پنجم: چنار و کدوبن
۳۹	انسان جوان و بی‌تجربه، کدوبن است.	کوچک و کم تجربه بودن	کدوبن	انسان جوان	کدوبن در داستان چنار و کدوبن، نماد انسان جوان و کم تجربه است.	
۳۹	باد مهرگان، آزمون (برای چنار و کدوبن) است.	نمایاندن ارزش واقعی	آزمون/چالش	باد مهرگان	ای کدو [...] فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان، آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست.	
۴۸	انقلاب اسلامی، خورشید است.	روشنایی/امید	خورشید (مهر)	انقلاب اسلامی	سر زد از افق مهر خاوران	درس هشتم: سرود ملی
۴۸	انقلاب اسلامی، روشنی و فروغ است.	امید و آگاهی بخشیدن	روشنی و فروغ	انقلاب اسلامی	فروغ دیده حق باوران	
۴۹	سرود ملی، آینه است.	دیدن خود	آینه	سرود ملی	سرود ملی همچون آینه‌ایست.	
۴۸	زمان انسان است.	قدرت شنوایی داشتن	انسان	زمان	پیچیده در گوش زمان فریادتان	
۵۰	ایران، عنبر است.	خوشبو بودن	عنبر	ایران	ایران عنبر نسیم	
۵۲	دشمن سنگ خاره است.	آزارنده و آسیب رسان بودن	سنگ خاره	دشمن	ای دشمن ار تو سنگ خاره‌ای	
۵۲	مردم ایران، آهن هستند.	مستحکم بودن/با قدرت بودن	آهن	مردم ایران	من آهنم	
۵۴	ایران، بهشت است.	زیبا بودن/مایه آرامش بودن	بهشت	ایران	ایران ای خرم بهشت من	
۵۴	مهر به وطن، گیاه است.	رشد و پرورش یافتن	گیاه	مهر به وطن	جز مهرت به دل نیروم	
۶۸	مدافعان وطن، مرغ هستند.	ایثارگری و از جان گذشتگی	ماکیان (مرغ)	مدافعان وطن	«وطن‌داری آموز از ماکیان»، در حکایت «وطن دوستی»، ماکیان نماد مدافعان وطن است.	

۶۸	وطن، لانه است.	پناهگاه/مأمّن بودن	لانه	وطن	در حکایت «وطن دوستی»، لانهٔ ماکیان نماد وطن است.	میهن
۷۶	ایران خانه و سرا است.	احساس امید و امنیت داشتن	خانه و سرا	ایران	ایران ای سرای امید	درس نهم: نام آوران دیروز، امروز، فردا
۷۶	ایران، خانه است.	بام داشتن و پناهگاه بودن	خانه	ایران	بر بامت سپیده دمید	
۷۶	انقلاب، سپیده دم است.	روشنی، شادی و سرور داشتن	سپیده دم	انقلاب	سپیدهٔ ما گلگون است.	
۷۶	پیروزی انقلاب، خورشید است.	امید و سرزندگی داشتن	خورشید	پیروزی انقلاب	خورشیدی خجسته رسید.	
۷۶	مبارزه سفر است.	وسیله رفتن به سوی هدف	راه پر خون	مبارزه	بنگر کزین ره پر خون	
۷۶	مبارزه سفر است. (۲بار)	وسیله رفتن به سوی هدف	راه حق، راه بهروزی	مبارزه	راه ما راه حق راه بهروزی	
۷۶	آزادی، بهار است. (۲بار)	نو شدن و شادی آور بودن	بهار	آزادی	یادگار خون شهیدان، ای بهار! ای بهار تازهٔ جاودان!	
۸۱	نام نیک، دارایی یا ارثیه است.	ارزشمند و مانا بودن	پول، دارایی یا ارثیه	نام نیک	نام نیکو گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار	درس دهم: نام نیکو
۸۵	وقایع انداختن تشت هستند.	پیش بینی پذیر بودن	انداختن تشت از قلعه (در داستان)	حوادث و وقایع	در حکایت «نقش خردمندان»، پیش بینی حوادث مانند افتادن تشت از بام با اطلاع قبلی است که موجب شد حاکم نترسد.	درس یازدهم: نقش خردمندان
۸۶	دانشمندان، ستاره های پرفروغ هستند.	فایده رساندن و شهرت داشتن	ستاره های پرفروغ	دانشمندان	ستاره های پر فروغ زیادی مانند خواجه نظام الملک و خواجه نصیر توسی می توان یافت.	
۹۱	شاهنامه گنجینه است.	ارزشمند بودن	گنجینه فرهنگ ایران	شاهنامه	این کتاب [...] گنجینه فرهنگ ایران [...] است.	درس دوازدهم: درس آزاد
۹۱	شاهنامه، انسان است.	محافظت کننده	نگهبان	شاهنامه	این کتاب [...] نگهبان زبان فارسی است.	

۹۱	زال، خورشید است. (۲بار)	زیبا بودن	خورشید	چهره زال	چهره‌اش مانند خورشید درخشان [...] بود. // به چهره نکو بود برسان شید
۹۱	زال بچه دیو است.	شوم بودن	بچه دیو	زال	که این بچه دیو کیست؟
۹۱	زال پلنگ است.	زشت بودن	پلنگ دو رنگ	زال	پلنگ دو رنگ است؟
۹۱	زال پری است.	عجیب الخلقه بودن	پری	زال	یا خود پری است؟
۹۳	سیمرغ، انسان است.	دل داشتن	انسان	سیمرغ	خداوند، مهر کودک را در دل سیمرغ افکند.
۹۵	سیمرغ، انسان / دایه است.	مهربان بودن	انسان / دایه	سیمرغ	سیمرغ گفت: تاکنون مانند دایه ای مهربان تو را پرورانده‌ام
۹۵	دل سام، بهشت برین است.	زیبا و آرام و جای شادی بودن	بهشت برین	دل سام	دل سام شد چون بهشت برین
۱۰۵	بهار، سوار سبزپوش است.	حرکت و سرزندگی داشتن	(انسان) سوار سبزپوش	بهار	بال در بال پرستوهای خوب می‌رسد آخر سوار سبزپوش
۱۰۵	بهار، انسانی با جامه‌ای بر تن است.	عطر دل انگیز داشتن	انسان	بهار	جامه‌ای از عطر نرگس‌ها به تن (دارد)
۱۰۵	بهار، انسانی با شالی بر روی دوش است.	زیبایی	انسان	بهار	شالی از پروانه‌ها بر روی دوش (دارد)
۱۰۵	ابر، انسان است.	به پیشواز رفتن، ساختن پل	انسان	ابر	به رسم پیشواز، ابر پل می‌زند
۱۰۵	رنگین کمان، پل است.	شکل منحنی داشتن	پل	رنگین کمان	ابر با رنگین کمان پل می‌زند
۱۰۵	نوبهار، باغبان است.	پرورش دهنده‌گی	باغبان	نوبهار	باغبان نوبهار بر سر هر شاخی گل می‌زند

درس سیزدهم: روزی که باران می‌بارید

۱۰۵	بهار انسان است.	رسیدن، آمدن	انسان	بهار	می رسد فصل بهار	
۱۰۵	پرده انسان است.	سرک کشیدن از پنجره	انسان	پرده	پرده‌ها از خانه‌ها توی کوچه‌ها سرک می‌کشند.	
۱۰۵	حرکت دسته جمعی گنجشک‌ها، فواره است.	زیاد و پر انرژی بودن	فواره (آب)	گنجشک‌ها ۱	در فضای باغ‌ها پر می‌شود بازهم فواره گنجشک‌ها	
۱۰۷	ترس گیاه است.	ریشه داشتن، رشد داشتن	گیاه	ترس	ریشه اصلی ترس‌های نادرست در جهل و نادانی است	
۱۱۱	دوست، کاج است.	توانایی تکلم داشتن و مهربان و یاری رسان بودن	کاج	(انسان)، دوست	کاج همسایه گفت با نمی: «دوستی را نمی‌برم از یاد»	درس چهاردهم: تجارت
۱۱۱	مشکلات و سختی‌ها، طوفان، رگبار و باد است. (۳ استعاره)	به چالش کشیدن / آسیب رساندن	طوفان / باد	مشکلات و سختی‌ها	زیر رگبار و تازینانه باد یکی از کاج‌ها به خود لرزید	
۱۱۲	جامعه همدل و موفق، کاجستان است.	همکاری و همدلی	کاجستان	جامعه‌ای همدل	داستان کاجستان تصویری از یک جامعه همدل است	
۱۱۲	شخص نیازمند، کاج است.	نیازمند بودن به کمک دیگران	کاج افتاده	شخص نیازمند	کاج آسیب دیده ما هم کم کمک پا گرفت و سالم شد	
۱۱۲	باد انسان است.	قدرت شنوایی داشتن	انسان	باد	مهربانی به گوش باد رسید	
۱۱۴	زندگی، سفر است.	در حرکت بودن و تغییر داشتن	سفر	راز زندگی	سفرت خودش راز زندگی است.	
۱۱۴	زندگی مکان است.	مستقر شدن در آن یا ترک کردن آن	مکان	راز زندگی	از کنار راز زندگی عبور کردی؟	
۱۱۴	زندگی راز است.	ناشناخته بودن	راز	زندگی	راز زندگی	
۱۱۶	سختی‌های زندگی، امواج دریاست.	متلاطم بودن	امواج دریا	سختی‌ها	سختی‌های زندگی را هم مانند امواج دریا بدان	
۱۲۰	زندگی، کشتی است.	امنیت و آرامش داشتن	کشتی	زندگی	کشتی در داستان «حکمت»، نماد زندگی است.	
						درس پانزدهم: کاجستان

۱۲۰	مشکلات زندگی، دریاست.	چالش داشتن	دریا (در داستان)	مشکلات زندگی	غلام هرگز دریا ندیده بود و محنت کشتی نیازموده.	گلام هرگز دریا ندیده بود.
۱۲۰	شخص سختی نکشیده، غلام در داستان است.	بی‌خبر بودن از چالش‌های زندگی	غلام در داستان	کوشیده راست سختی		
۱۲۰	فرد باتجربه، حکیم است.	تجربه و درایت داشتن	حکیم	فرد باتجربه	حکیمی که در داستان برای آرام کردن غلام راه حل ارائه می‌دهد.	
۱۲۹	انسان امیدوار و تلاشگر، چشمه است.	تلاش کردن و پایداری در مقابل مشکلات	چشمه	انسان امیدوار و تلاشگر	نشد چشمه از پاسخ سنگ، سرد به کنندن در استاد و ابرام کرد	درس شانزدهم: وقتی بوعلی کودک بود
۱۲۹	موانع و سختی‌های زندگی، سنگ است.	سخت بودن	سنگ	موانع وسختی‌ها	به ره گشت، ناگه به سنگی دچار	
۱۳۱	انسان کوشا و قانع، مورچه است.	تلاش و کوشش فراوان	مور	انسان کوشا و قانع	به راهی در، سلیمان دید موری که با پای ملخ می‌کرد زوری ...	درس هفدهم: کار و تلاش
۱۳۱	زندگی، راه است.	پر چالش بودن	راه	زندگی	مرو راهی که پایت را ببندند	
۱۳۱	جوانی، بهار است.	زمان تلاش و کوشش بودن	بهار	جوانی	بکوش اندر بهار زندگانی	
۱۳۱	جوانی، زینت است.	آراستن و زیبا کردن	زینت	جوانی	که شد پیرایه پیری جوانی	
۱۳۹	زندگی سفر حج است.	سفر برای رسیدن به خدا کمال انسانی	سفر حج	زندگی	در داستان «جوان و راهزن» سفر حج نماد زندگی است.	
۱۳۹	آزمون و چالش، راهزن است.	موانع و سختی	راهزن	آزمون و چالش	در داستان «جوان و راهزن»، دزد نماد چالش‌های زندگی است.	
۱۴۰	درخت، انسان است.	دست و زبان و قدرت تکلم داشتن	انسان	درخت	با زبان سبز و با دست دراز از ضمیر خاک می‌گویند راز	
۱۴۰	برگ درخت زبان سبز است.	سبز و گویا بودن	زبان سبز	برگ	با زبان سبز	
۱۴۰	شاخه درخت، دست است.	وسیله دعا بودن	دست	شاخه درخت	(درخت) با دست دراز	
۱۴۰	خاک، انسان است.	ضمیر داشتن	انسان	خاک	از ضمیر خاک می‌گویند راز	

با توجه به جدول شماره ۱، مؤلفان در مجموع از ۱۱۸ استعاره مفهومی برای تفهیم مفاهیم انتزاعی یا کم‌تر شناخته شده در جهت ارتقای ادراک دانش‌آموزان بهره برده‌اند. از آن میان، تنوع حوزه‌های مقصد عینی‌شده به ۵۹ و تنوع حوزه‌های مبدأ استفاده شده، به ۵۸ مورد می‌رسد؛ بنابراین تنوع دو حوزه مبدأ و مقصد در فارسی پنجم از بسامد قابل قبولی برخوردار است. بسامد هر یک از داده‌های جدول فوق را می‌توان در جدول زیر نشان داد.

جدول شماره ۲. بسامد هریک از قلمروهای مبدأ و مقصد ذکر شده در جدول شماره ۱

بسامد	حوزه‌های مبدأ	بسامد	حوزه‌های مقصد
۱ بار	دست، زبان، زینت، مور، چشمه، دریا، کشتی، امواج دریا، مکان، باد و طوفان، فواره، پل، پری، پلنگ، دیو، گنجینه، ستاره، انداختن تشت، دارایی یا ارضیه، سپیده دم، لانه، ماکیان (مرغ)، آهن، عنبر، آیین، آزمون، کدو، موش، آتش، سگ، چارپا، سپر، ابزار، ضربه گردو، عدم تناسب میوه و بوته، حکایت درخت گردکان، تسبیح، نغمه‌خوان، چتر، تصویر صفحه ۱۵، تماشاخانه، کتاب، ایستگاه، راه حل و چاره بیچارگان، راز، مونس و همدم.	۱ بار	طبیعت، عالم، باغ و بوستان، چتر، گل، آب، پرستو، پاییز و زمستان، بلبل، پروانه، ساقه، ریشه، برکه، انزوای اجتماعی، خورشید، حکمت خدا، بی‌حکمتی، تلنگر و آگاهی بخشی، بدی، سنگ و کوه، مقصد و هدف، زمان، دشمن، مردم ایران، وطن، پیروزی، آزادی، نام نیک، حوادث و وقایع، چهره زال، دل‌سام، ابر، رنگین کمان، پرده، برگ، گنجشک، ترس، جامعه، شاخه.
۲ بار	بهار، سنگ، گیاه، خانه، برگ و گلبرگ، روشنی و فروغ.	۲ بار	خداوند، زیبایی‌های آفرینش، درخت، خاک، سرود و آواز، خرد و اندیشه، هنر و دانش، مبارزه، شاهنامه، سیمرغ، راز زندگی، جوانی.
۳ بار	سفر، راه، پروانه، خورشید یا مهر.	۳ بار	انقلاب، زال.
۴ بار	درخت (چنار، کاج و ...).	۴ بار	باد، ایران، زندگی.
۳۵ بار	انسان.	۵ بار	مشکلات و سختی‌ها.
		۶ بار	بهار.
		۱۸ بار	انسان.

استفاده از ۱۱۸ استعاره، در کنار تنوع نزدیک به ۵۰ درصدی حوزه‌های مبدأ و مقصد به کار رفته در آن به درک بهتر مفاهیم در فارسی پنجم کمک کرده است، لکن فراوانی استعاره‌ها در هر یک از درس‌ها یکسان نیست و مؤلفان در بهره‌گیری از این امکان آگاهانه عمل نکرده‌اند. جدول شماره ۳ در زیر، فراوانی استعاره‌های به کار رفته در هریک از درس‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: فراوانی استعاره‌ها به تفکیک هر درس

درس اول	۱۵ استعاره	درس دهم	۱ استعاره
درس دوم	۱۷ استعاره	درس یازدهم	۲ استعاره
درس سوم	۸ استعاره	درس دوازدهم	۹ استعاره
درس چهارم	۶ استعاره	درس سیزدهم	۹ استعاره
درس پنجم	۳ استعاره	درس چهاردهم	۱ استعاره
درس ششم	۹ استعاره	درس پانزدهم	۱۵ استعاره
درس هشتم	۲ استعاره	درس شانزدهم	۲ استعاره
درس نهم	۹ استعاره	درس هفدهم	۱۰ استعاره

برخی از مفاهیم حوزه مقصد مطرح شده در کتاب، به ویژه در بخش‌های قابل توجهی از مفاهیمی که حوزه مبدأ به کار رفته برای تفهیم آن‌ها «انسان» بوده است، در اصل انتزاعی نیستند بلکه مفاهیمی کم‌تر شناخته شده و یا جنبه‌هایی از مفاهیم عینی هستند که برای مخاطبان دوره ابتدایی چندان ملموس نیستند و مؤلفان به درستی برای درک بهتر این مفاهیم از سوی دانش‌آموزان از مفاهیم شناخته‌شده‌تر بهره گرفته‌اند. برای نمونه مفاهیمی همچون «گلبرگ، برگ، ساقه، ریشه» به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک گیاه مفهومی ملموس به شمار می‌روند، لکن برای نشان دادن ذی شعور بودن آن‌ها و تفهیم شعور داشتن موجوداتی به غیر از انسان که مشغول تسبیح حضرت حق هستند، نیازمند ملموس‌تر کردن این مفاهیم هستیم، بنابر این مؤلفان کتاب به درستی و با کمک استعاره، ذی شعور بودن مفاهیم یاد شده را با استفاده از حوزه مقصد انسان نشان داده‌اند.

استعاره‌های به کار رفته در کتاب فارسی پنجم را در ذیل ۹ کلان استعاره می‌توان گرد آورد. در جدول زیر کلان استعاره‌ها و خرد استعاره‌های مربوط به هر یک را مشخص کرده و بسامد آن‌ها را نیز بیان کرده‌ایم. بر همین مبنا بیشترین خرد استعاره‌ها، با ۴۵ و ۲۹ نمونه، به ترتیب به حوزه مبدأ «انسان» و «طبیعت» مربوط می‌شود. همچنین حوزه مبدأ «مهارت/ حرفه» با یک نمونه، کم‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. بسامد بالای حوزه‌های مبدأ انسان و طبیعت به جهت ویژگی تفهیمی منحصر به فرد آن‌ها، درک مفاهیم مورد نظر کتاب را آسان‌تر کرده است. به جدول شماره ۳ در زیر توجه کنید:

جدول شماره ۳. جدول کلان استعاره‌ها و خرد استعاره‌های «فارسی» پایه پنجم ابتدایی

ردیف	کلان استعاره	خرد استعاره
۱	مفاهیم به مثابه مکان (۶ بار)	ایران بهشت است. ص ۵۴ // دل سام، بهشت برین است. ص ۹۳ // درگاه خداوند، پناه و امید انسان است. ص ۸ // عالم، تماشاخانه است. ص ۱۲ // رنگین کمان، پل است. ص ۱۰۵ // آفرینش و پدیده‌های جهان ایستگاه است. ص ۱۰.
۲	مفاهیم به مثابه انسان (۴۰ بار)	باد انسان است. ص ۱۱۳ // باد انسان است. ص ۱۶ // باغ و بستان، انسان است. ص ۱۶ // گل، انسان است. ص ۱۷ // آب انسان است. ص ۱۷ // بلبل انسان است. ص ۱۸ // چتر انسان است. ص ۱۶ // پروانه انسان است. ص ۲۱ // خورشید انسان است. ص ۲۲ // اندیشه، انسان است. ص ۳۲ // خاک انسان است. ص ۱۴۰ // آزمون و چالش راهزن است. ص ۱۳۹ // خرد، انسان است. ص ۳۲، (۳ بار) // سنگ و کوه انسان هستند. ص ۳۲ // بدی، انسان است. ص ۳۲ // زمان انسان است. ص ۴۸ // شاهنامه، انسان است. ص ۹۱ // سیمرغ، مادر یا دایه است. ص ۹۳ // بهار، سوار سبزی پوش است. ص ۱۰۵ // بهار، انسانی با جامه‌ای از عطر نرگس‌ها به تن است. ص ۱۰۵ // بهار، انسانی با شالی از پروانه‌ها بر روی دوش است. ص ۱۰۵ // ابر، انسان است. ص ۱۰۵ // نوبهار، باغبان است. ص ۱۰۵ // بهار انسان است. ص ۱۰۵ // پرده انسان است. ص ۱۰۵ // باد انسان است. ص ۱۱۲ // عقل و درایت، حکیم است. ص ۱۲۰ // درخت، انسان است. ص ۱۴۰، (۲ بار) // برگ درخت زبان سبز است. ص ۱۴۰ // شاخه درخت دست است. ص ۱۴۰ // خاک، انسان است. ص ۱۴۰ // خداوند یار و یاور غمخوارگان است. ص ۸ // پرستو نغمه‌خوان است. ص ۱۷ // پاییز و زمستان انسان هستند. ص ۱۷ // شخص بزرگ شده در رفاه، غلام در داستان است. ص ۱۲۰ // فرد باتجربه، حکیم است. ص ۱۲۰.
۳	مفاهیم به مثابه ساختمان (۳ بار)	وطن لانه است. ص ۶۸ // ایران خانه و سرا است. ص ۷۶ // ایران، خانه است. ص ۷۶.

۴	مفاهیم به مثابه سفر (۸ بار)	هدف معنوی سفر است. ص ۱۳۹/ زندگی راه است. ص ۱۳۱/ زندگی سفر است. ص ۱۱۴/ مبارزه سفر است. (۳بار)، ص ۷۶/ هدف یا مقصد سفر است. ص ۳۵/ زندگی سفر حج است. ص ۱۳۹.
۵	مفاهیم به مثابه مفاهیم شناخته شده‌تر (۸ بار)	باد مهرگان، آزمون (برای چنار و کدوئین) است. ص ۳۹/ خداوند چاره بیچارگان است. ص ۸/ زال بچه دیو است. ص ۹۱/ زمزمه بلبل، تسبیح است. ص ۱۸/ زال پری است. ص ۹۱/ خداوند چاره بیچارگان است. ص ۸/ جوانی زینت است. ص ۱۳۱/ زندگی راز است. ص ۱۱۴.
۶	مفاهیم به مثابه حیوان (توتم پرستی) (۹ بار)	انسان مفرر پروانه است. ص ۲۱/ انسان متحول پروانه است. ص ۲۲/ انزوی اجتماعی دور شدن پروانه در داستان است. ص ۲۲/ انسان منفعت طلب، چارپاست. ص ۳۵/ انسان منفعت طلب، سگ گرسنه است. ص ۳۵/ انسان بی هنر، موش است. ص ۳۵/ فرد محافظ وطن، مرغ است. ص ۶۸/ زال پلنگ است. ص ۹۱/ کوشا و قانع، مورچه است. ص ۱۳۱.
۷	مفاهیم به مثابه عناصر طبیعت (۳۴ بار)	درخت، چتر است. ص ۱۶/ ابی حکمتی، آفرینش خربزه و بوته‌اش در داستان است. ص ۲۴/ حکمت خداوندی، حکایت گردو و درخت در داستان است. ص ۲۴/ تلنگر و آگاهی، ضربه گردو به سر مرد در داستان است. ص ۲۴/ هنر و دانش، فروغ آتش است. ص ۳۵/ انسان درخت است. ص ۳۹/ انسان جوان و بی تجربه، کدوئین است. ص ۳۹/ انقلاب اسلامی، خورشید است. ص ۴۸/ انقلاب اسلامی، روشنی و فروغ است. ص ۴۸/ ایران، عنبر است. ص ۵۰/ دشمن سنگ خاره است. ص ۵۲/ مردم ایران، آهن هستند. ص ۵۲/ مهر به وطن، گیاه است. ص ۵۴/ انقلاب، سپیده دم است. ص ۷۶/ پیروزی انقلاب، خورشید است. ص ۷۶/ آزادی، بهار است. (۲بار) ص ۷۶/ دانشمندان، ستاره‌های پرفروغ هستند. ص ۸۶/ زال، خورشید است. ص ۹۱/ دوست، کاج است. ص ۱۱۱/ مشکلات و سختی‌ها، طوفان، رگبار و باد است. (۳ استعاره)، ص ۱۱۱/ جامعه همدل و موفق، کاجستان است. ص ۱۱۱/ سختی‌های زندگی، امواج دریاست. ص ۱۱۶/ مشکلات و چالش‌های زندگی، دریا است. ص ۱۲۰/ انسان امیدوار و تلاشگر، چشمه است. ص ۱۲۹/ موانع و سختی‌های زندگی، سنگ است. ص ۱۲۹/ انسان برکه است. ص ۲۱/ انسان گلبرگ، برگ، ساقه و ریشه هستند. (۴ استعاره)، ص ۲۲/ جوانی بهار است. ص ۱۳۱.
۸	مفاهیم به مثابه اشیاء (۱۰ بار)	طبیعت کتاب است. ص ۱۱/ تماشاخانه بودن عالم تصویر ص ۱۵ است. ص ۱۵/ نوبهار لباس است. ص ۱۸/ دانش، سپر است. ص ۳۲/ دانش، ابزار است. ص ۳۲/ سرود ملی، آیینه است. ص ۴۹/ نام نیک، پول دارایی یا ارثیه است. ص ۸۱/ شاهنامه گنجینه است. ص ۹۱/ وقایع انداختن تشت از قلعه (در داستان) هستند. ص ۸۵/ زندگی، کشتی است. ص ۱۲۰.

نتیجه‌گیری

استعاره مفهومی که بر روی تناظرهای معنایی دو حوزه مبدأ و مقصد متمرکز است ابزاری بسیار کارآمد برای تفهیم یک مفهوم انتزاعی یا کم‌تر شناخته شده است. تفهیم بهتر و آسان‌تر مفاهیم ناملموس به کمک استعاره، مهم‌ترین ویژگی این نظریه محسوب می‌شود. توجه به این نکته و تمرکز بر استفاده از آن در امر آموزش برای کودکان می‌تواند به تسهیل در امر انتقال مفاهیم مورد نظر مؤلفان در کتاب‌های درسی کمک کند. با توجه به این‌که مؤلفان کتاب فارسی پایه پنجم، در کنار اهداف صرفاً ادبی به نیازهای فرهنگی-تربیتی، نیازهای روحی و ارتقای قدرت ادراکی و تشخیصی دانش‌آموزان نیز توجه داشته‌اند؛

بنابراین میزان بهره‌مندی از عنصر استعاره در جهت انتقال مفاهیم انتزاعی در رسیدن به اهداف یاد شده از اهمیت زیادی برخوردار است و استعاره به عنوان ابزاری تفهیمی می‌تواند در رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی، مؤثرتر عمل کند.

در پژوهش پیش‌رو، میزان بهره‌گیری از استعاره در تفهیم مفاهیم انتزاعی کتاب «فارسی» پایه پنجم، مورد بحث و مذاقه قرار گرفت و ضمن شناسایی قلمروهای مقصد مورد توجه مؤلفان، قلمروهای مبدأ، تعمیم چندمعنا و نگاشت مربوط به هر یک از استعاره‌ها، به تفکیک هر درس و در قالب جدول شماره یک بیان شد. مطابق با داده‌های مندرج در این جدول پاسخ هریک از پرسش‌های پژوهش بدین قرار است: ۱- بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که مؤلفان ۱۱۸ بار از استعاره برای تبیین مفاهیم مختلف انتزاعی بهره برده‌اند. بنابراین از جهت کمیت، استفاده از استعاره مفهومی در کتاب فارسی پایه پنجم در وضعیت مطلوبی قرار دارد. ۲- بسامد تنوع حوزه‌های مقصد به کارگرفته شده ۵۹ و تنوع حوزه‌های مبدأ استفاده شده ۵۸ مورد است. بدین ترتیب استعاره‌های موجود در کتاب از تنوع قابل قبولی برخوردار هستند. لکن توجه به جدول شماره ۲، آشکارا نشان می‌دهد که پراکندگی استعاره‌ها در هر یک از هفده درس کتاب از تناسبی منطقی برخوردار نیست؛ به طوری که سهم درس دهم و چهاردهم از ۱۱۸ استعاره تنها ۱ استعاره، درس هشتم، یازدهم و شانزدهم هرکدام ۲ استعاره، درس پنجم ۳ استعاره، درس چهارم ۶ استعاره و در مقابل سهم درس سوم ۸ استعاره، درس ششم، نهم، دوازدهم و سیزدهم هرکدام ۹ استعاره، درس هفدهم ۱۰ استعاره و در نهایت درس پانزدهم و اول هرکدام ۱۵ استعاره بوده است. این امر نشان‌گر آن است که مؤلفان در استفاده از استعاره آگاهانه و با علم به ویژگی تفهیمی آن عمل نکرده‌اند، زیرا در صورت آگاهانه بودن این اقدام، می‌بایست از این امکان در تمامی درس‌ها و به شکل قابل توجهی استفاده می‌کردند. ۳- نکته مهم دیگر این که برخی از مفاهیم حوزه مقصد مطرح شده در کتاب، به ویژه در بخش‌های قابل توجهی از مفاهیمی که حوزه مبدأ به کار رفته برای تفهیم آن‌ها «انسان» بوده، در اصل انتزاعی نیستند؛ بلکه مفاهیمی کم‌تر شناخته شده و یا جنبه‌هایی از مفاهیم عینی هستند که برای مخاطبان دوره ابتدایی چندان ملموس نیستند و مؤلفان به درستی برای درک بهتر این مفاهیم از سوی دانش‌آموزان از مفاهیم شناخته‌شده‌تر بهره گرفته‌اند.

۴- استعاره‌های به کار رفته در کتاب فارسی پنجم را در ذیل ۸ کلان استعاره می‌توان دسته‌بندی کرد. بر همین مبنا بیشترین خرد استعاره‌ها، با ۴۵ و ۲۹ نمونه، به ترتیب به حوزه مبدأ «انسان» و «طبیعت» مربوط می‌شود. همچنین حوزه مبدأ «مفاهیم به مثابه ساختمان» با ۳ نمونه، کم‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. بسامد بالای حوزه‌های مبدأ انسان و طبیعت به جهت ویژگی تفهیمی منحصربه‌فرد آن‌ها، درک مفاهیم مورد نظر کتاب را آسان‌تر کرده است.

سخن آخر آن‌که؛ با عنایت به کارکرد تفهیمی استعاره در آموختن مباحث انتزاعی و توجه به این نکته که استعاره قدرت ادراک ما از جهان را افزایش می‌دهد، بهره‌گیری هدفمند از این امکان در درک هرچه بهتر مفاهیم ناملموس بایستی همواره مورد توجه مؤلفان کتب درسی قرار گیرد. در همین راستا پیشنهاد می‌شود تا با ایجاد توازن در به کارگیری استعاره در همه درس‌ها، به شکلی نظام‌مند از این ابزار تفهیمی استفاده شود. همانند دروس اول، پانزدهم، هفدهم و دوم که با داشتن بسامد قابل توجه استعاره‌ها، می‌تواند الگوی مناسبی در به کارگیری استعاره در سایر درس‌ها باشد.

منابع

- استاکول، پیتز. (۱۳۹۳). *درآمدی بر شعرشناسی شناختی* (ترجمه لیلا صادقی). مروارید. (اثر اصلی در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است).
- اکبری شلدره، فریدون، جیلی آده، پریچهره، و نجاران، فرح. (۱۴۰۳). *فارسی پنجم دبستان*. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ایرانی، نفیسه، و فتاحی چالانچی، علوی. (۱۴۰۲). نقد و تحلیل تصاویر کتاب فارسی پنجم دبستان و بررسی ارتباط آن‌ها با متن درس. *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۱۰(۱)، ۱۱۸-۱۳۸.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27172228.1402.4.1.6.9>
- بابایی، مریم، و کاسی، فاطمه. (۱۴۰۱). بازتاب هویت ملی در کتاب فارسی پنجم دبستان از دوره قاجار تا پایان قرن چهاردهم شمسی. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۷(۶۷)، ۲۳۷-۲۶۶.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354986.1401.17.67.10.2>
- بنی‌عصار، امیر. (۱۳۹۷). نقش استعاره مفهومی در فهم آیات با تطبیق «زندگی تجارت است». *ذهن*، ۱۹(۷۳)، ۱۳۹-۱۵۷.
- https://zahn.iict.ac.ir/article_31268.html
- پندآموز، محمد، سلحشوری، احمد، شریفی درآمدی، پرویز، فیاض، ایراندخت، و درتاج، فربرز. (۱۴۰۲). کارکرد استعاره در یادگیری از دیدگاه ویتگنشتاین: تبیینی نظام‌مند. *غرب‌شناسی بنیادی*، ۱۴(۱)، ۱۱۹-۱۴۶.
- <https://doi.org/10.30465/os.2023.46100.1922>
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۴۱۲ق). *اسرارالبلاغه* (تصحیح ابو فهر محمود محمد شاکر). مطبعة المدنی
- حمزه‌لو، زهره، مختاری، لیلا، مسکینی، طلا، و نوری، فاطمه. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای ارتباطی اهداف کتاب فارسی خوانداری پایه پنجم ابتدایی بر اساس متن نوشتاری. *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۴۲)، ۱۰۹-۱۲۲.
- <https://www.jonapte.ir/showpaper/3841075>
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۳). *زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی*. هرمس
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. سمت
- رقیب‌دوست، شهلا، و صادقی، شهره. (۱۳۹۴). فرایند رشد درک استعاره در کودکان ۶ تا ۸ ساله فارسی‌زبان. *زبان‌شناخت*، ۱۱(۶)، ۱۶۰-۱۳۷.
- https://languagestudy.ihcs.ac.ir/article_2080.html
- زاهدی، کیوان، و محمدی زیارتی، عاطفه. (۱۳۹۰). شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۳(۱)، ۶۷-۸۰.
- https://icssjournal.ir/browse.php?a_id=319&sid=1&slc_lang=fa
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۲). *ارسطو و فن شعر*. امیرکبیر

زندى، بهمن، روشن، بلقيس، قاسم‌پور مقدم، حسين، و باباسالارى، زهرا. (۱۳۹۴). تحليل محتواى شناختى استعاره کارکردى در کتاب‌هاى درسى فارسى دوره ابتدائى. *نوآورى‌هاى آموزشى*، ۱۵ (۵۷)، ۷-۲۲.

https://noavaryedu.oerp.ir/article_79080.html

سعدى، مصلح‌بن عبدالله. (۱۳۸۴). *گلستان* (تصحیح و توضیح و شرح غلامحسين يوسفی). خوارزمی

شريفی، شهلا، و حامدى شيروان، زهرا. (۱۳۸۹). بررسى استعاره در ادبيات کودک و نوجوان در چارچوب زبان‌شناسى شناختى.

https://fabak.ihcs.ac.ir/article_329.html تفکر و کودک، ۱۲ (۱)، ۳۹-۶۳.

صائمين، سیده پروين، برخوردارى، رمضان، و ضرغامى، سعيد. (۱۴۰۱). تبیین استعاره‌هاى مفهومی جهت‌دار زمان در مکان در کتاب فارسى پایه چهارم ابتدائى بر مبنای رویکرد ليکاف و جانسون. *نوآورى‌هاى آموزشى*، ۲۱ (۸۲)، ۱۳۳-۱۴۶.

<https://doi.org/10.22034/jei.2022.285549.1918>

صدرى، نيره. (۱۳۸۵). بررسى استعاره در ادبيات فارسى از دیدگاه زبان‌شناسى شناختى [رساله دکترى منتشر نشده]. دانشگاه علامه طباطبایى

صفوى، کورش. (۱۳۹۷). *درآمدى بر معنئ‌شناسى*. سوره مهر

علوى‌مقدم، محمد، و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۶). *معانى و بيان*. سمت

عليزاده بيگدیلو، منصور، سيدکلان، سيد محمد، و حيدرى، عبدالحسين. (۱۴۰۳). واكاوى نقش استعاره در تفهيم مفاهيم غيرعينى.

<https://doi.org/10.30471/EDU.2024.9684.2822> تربيت اسلامى، ۱۹ (۴۷)، ۱۴۳-۱۶۱.

فتوحى، محمود. (۱۳۹۳). *آيين نگارش مقاله علمى پژوهشى*. سخن

کریم‌نژاد دلامى، زهرا، و کریم‌نژاد دلامى، فاطمه. (۱۴۰۰). تحليل محتواى کتاب فارسى پنجم دبستان بر اساس حوزه‌هاى موضوعى

رویکرد فطرت‌گرای توحیدى برنامه درسى و انتظارات یادگیرى راهنمای معلم. *پژوهش و مطالعات علوم اسلامى*،

<https://joisas.ir/showpaper/1296617> ۳۲ (۳)، ۴۱-۲۶.

کوچش، زولتان. (۱۳۹۴). *استعاره در فرهنگ* (ترجمه نيکتا انتظام). سپاه‌رود. (اثر اصلى در سال ۲۰۱۵ منتشر شده است).

گلفام، ارسلان، و يوسفى‌راد، فاطمه. (۱۳۸۱). زبان‌شناسى شناختى و استعاره. *تازه‌هاى علوم شناختى*، ۴ (۳)، ۱-۶.

<http://icssjournal.ir/article-1-576-fa.html>

ليکاف، جرج، و جانسون، مارک. (۱۳۹۴). *استعاره‌هاىي که با آن‌ها زندگى مى‌کنيم* (ترجمه هاجر آقابرهمي). علم. (اثر اصلى

در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است).

ليکاف، جرج، و جانسون، مارک. (۱۳۹۵). *فلسفه جسمانى* (جلد ۱، ترجمه جهانشاه ميرزابيگى). آگاه. (اثر اصلى در سال ۲۰۱۵

منتشر شده است).

ليکاف، جرج. (۱۳۹۵). *قلمرو تازه علوم شناختى* (جلد ۱، ترجمه جهانشاه ميرزابيگى). آگاه. (اثر اصلى در سال ۲۰۱۵ منتشر شده

است).

نظری، جواد، و مختاری، مرضیه. (۱۳۸۸). نقش مقوله‌ها و واحدها در تحلیل محتوا. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۴(۱۴)، ۹۶-۹۲.

<https://ensani.ir/file/download/article/20110111141436->

نیلی‌پور، رضا. (۱۳۹۴). زبان‌شناسی شناختی (دومین انقلاب معرفت‌شناختی در زبان‌شناسی). هرمس

هاشمی، زهره، و قوام، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). امید و ناامیدی در بوف کور: تحلیل مفاهیم انتزاعی بر اساس نظریه استعاره مفهومی.

https://lcq.modares.ac.ir/article_18567.html .۱۷۰-۱۴۳، (۵)۲۰، فصلنامه نقد ادبی،

هاوکس، ترنس. (۱۳۸۶). استعاره (ترجمه فرزانه طاهری). نشر مرکز. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است).

Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). Conceptual metaphor in everyday language. *The Journal of Philosophy*, 77(8), 453-486. <https://www.jstor.org/stable/2025464>,

Lakoff, G., & Johnson, M. (2003). *Metaphors we live by*. The University of Chicago Press.